بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[کذب 2](#_Toc429167038)

[خلف وعده در کذب 2](#_Toc429167039)

[تقسیم‌بندی ادله آیات 2](#_Toc429167040)

[نکات موجود در آیه 34 سوره نساء 2](#_Toc429167041)

[معنای عهد و اقسام آن 3](#_Toc429167042)

[معنای عهد در فقه 3](#_Toc429167043)

[جمع‌بندی 3](#_Toc429167044)

[الف و لام «العهد» 4](#_Toc429167045)

[نکته 4](#_Toc429167046)

[آیه چهارم 4](#_Toc429167047)

[دلالت آیه بر خلف وعد 5](#_Toc429167048)

# کذب

## خلف وعده در کذب

در این باب مقدماتی را بیان کردیم. ابتدا باید موضوع خلف وعد را بررسی کنیم.

در نتیجه باید وجوب وفای عهد و حرمت خلف وعد را اثبات کنیم. ادله‌ای برای اثبات حکم الزامی در وعد وجود دارد.

اولین ادله،‌ادله‌ی قرآنی بود.

## تقسیم‌بندی ادله آیات

1. ادله‌ای که در مقام توصیف وفای عهد آمده است. در این آیات، کلمه وعد آمده است. «**إِنَّهُ كانَ صادِقَ الْوَعْدِ**»[[1]](#footnote-1) یکی از این آیات است که در مورد شخص آمده است.

2. ادله‌ای که توصیفی هستند ولی عنوان عهد در آن‌ها آمده است. «**وَ الَّذينَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُون‏»[[2]](#footnote-2)**.

این دو گروه، رجحان را افاده می‌کنند ولی الزام را بیان نمی‌کنند. گروه اول و دوم، تفاوتی است. آیات دوم در مورد توصیفات مؤمن آمده است، یعنی شروط ایمان است. این گروه دلالت بهتری نسبت به رجحان دارد. ولی الزام نمی‌توانیم از آن‌ها استخراج کنیم.

3. ادله‌ای که در آن‌ها امر است و واژه‌ی عهد در آن‌ها آمده است. «**وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ إِلاَّ بِالَّتي‏ هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلاً**»[[3]](#footnote-3)

عهد الله، امر خاص است. ولی این آیه 34 اطلاق دارد.

### نکات موجود در آیه 34 سوره نساء

1. در این آیه امر وجود دارد، این امر، مفید وجوب است.

2. وفا در این آیه آمده است. معنای اولیه آن، به خوبی ادا کردن دین است. اما در این تأکد بیشتری است. در اینجا مراد وفای به عهد است. ولی چون می‌خواهد تأکد را برساند، عبارت وفا را آورده است.

3. نکته سوم، بحث عهد است. مقصود از عهد چیست و آیا شامل وعد می‌شود؟

### معنای عهد و اقسام آن

عهد از عقد اعم است. عقد در مبادلات مشخص فقهی صورت می‌گیرد اما عهد فرای آن است. عقد یک دادوستدی است و ارزشی نیز تبادل می‌شود. اگر در ارتکازاتمان دقت کنیم، با توجه به اعم بودن عهد نسبت به عقد، می‌توانیم بگوییم در عهد دو احتمال وجود دارد:

1. عهد به معنای تعهد و التزام مؤکد است.

2. مطلق التزام باشد.

التزام، نیاز به طرف مقابل دارد که می‌تواند خدا یا مردم باشد. منتهی گاهی می‌گوییم یک التزام مؤکد است. وقتی بگوییم مطلق التزام است همان عهد است. اما اگر معنای اول باشد، بگوییم عهد یک التزام مؤکد خاص است. این نزدیک به عقد می‌شود.

اگر کسی این شبهه را به وجود بیاورد که عهد دو معنا دارد، شبهه مفهومیه می‌شود و باید قدر متیقن را بگیرد و باید بگوید، عهد، التزامات خاصه‌ای است و تمام وعده‌ها را شامل نمی‌شود.

### معنای عهد در فقه

عهدی که در کتاب العهد مطرح است، عهد عندالله است و ارتباطی با بحث ما ندارد. این مثل نذر است. در صیغه باید برای خدا باشد. عهدی که ما در این بحث مطرح کردیم، اعم از این معنای فقهی در کتاب العهد است.

#### جمع‌بندی

1. عهد اعم از عقد است.

2. عهد غیر از عقد فقهی در کتاب العهد است.

3. عهد التزامی است که شخصی از بیرون بر آن حساب می‌کند.

نکته بعدی که در آیه وجود دارد این است که ممکن است عهد مطلق التزام به غیر باشد، یا اینکه عهد مطلق التزامات مؤکده باشد که مطلق وعود را نگیرد. وعدهای خاصی که حساب ویژه‌ای بر آن‌ها شده است.

### الف و لام «العهد»

4. نکته چهارم آیه این است که الف و لام «العهد» از چه قسمی است؟

ممکن است کسی بگوید الف و لام عهد است. و مقصود عهود عندالله است. در این صورت از جمله آیاتی می‌شود که عهد خداوند را بیان کنید. معنای عهد الله دو چیز است:

الف) عهدی که در کتاب عهد فقهی آمده است. تعهدی که با سیره انشاء می‌کند.

ب) مقصود تکالیف الهی است.

در این صورت آیه از بحث ما خارج است.

احتمال دوم این است که الف و لام جنس باشد. منظور عهد عندالله و عهد نزد مردم است. عهد در اینجا التزام است که انسان به دیگری می‌دهد. با این احتمال، به بحث ما مرتبط می‌شود.

#### نکته

اصل در الف و لام، جنس گرفتن آن است. اگر قرینه‌ای بود، آن را الف و لام عهد می‌گیریم.

## آیه چهارم

آیه شریفه **«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُون‏كَبُرَ مَقْتاً عندالله أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ»[[4]](#footnote-4)**

قریب به این مضمون، در چند جای قرآن آمده است. چرا چیزی که می‌گویید انجام نمی‌دهید؟

### دلالت آیه بر خلف وعد

 در فقه تربیتی بحث‌های پیچیده‌ای راجع به این آیه کرده‌ایم. آیا آیه، نهی از خلف وعده می‌کند یا اختصاص به اموری دارد که انسان عمل نمی‌کند ولی حرف آن را می‌زند و در مورد آن نصیحت می‌کند؟

قبل از اینکه به دلالت آیه بپردازیم به روایتی رجوع می‌کنیم که تکلیف ما را مشخص کرده است.

این روایت در باب 109 از ابواب احکام عشرت است.

**«وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عِدَةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبِخُلْفِ اللَّهِ بَدَأَ وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتاً عندالله أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ»[[5]](#footnote-5)**

وعده مؤمن به برادرش، یک نذر است. باید عمل بشود اما کفاره ندارد. امام (ع) قول «**ما لا تفعل**» را به خلف وعد تطبیق داده است.

1. **سوره مریم، آیه 54** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره مؤمنون، آیه 8.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **سوره اسراء،‌آیه 34.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **سوره صف، آیات 2 و 3.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **وسائل الشیعه، ج 12، ص 165** [↑](#footnote-ref-5)